

استراتژی شرکت‌ها و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محمدعلی آقایی*، زینب بختیاری^۲ راد

چکیده

در این تحقیق با استفاده از دیدگاه مایلز و اسنو (۱۹۷۸) ارتباط بین نوع استراتژی شرکت‌ها و کیفیت سود به کمک داده‌های ۸۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شده است. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، از رویکرد تحلیل داده‌های ترکیبی و مدل رگرسیون چندمتغیره بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ استفاده شده است. استراتژی شرکت شامل دو رویکرد سرمایه‌بر و کاربر می‌باشد و برای سنجش کیفیت سود از دو شاخص مدیریت سود و محافظه‌کاری بهره گرفته شد. نتایج تحقیق نشان داد که هر چه استراتژی شرکت به سوی استراتژی سرمایه‌بر حرکت می‌کند، میزان اتخاذ محافظه‌کاری بیش‌تر و کیفیت سود در این شرکت‌ها افزایش می‌یابد. همچنین، نتایج نشان داد شرکت‌هایی که استراتژی آن‌ها به سمت سرمایه‌ای بودن گرایش بیش‌تری داشته‌اند، مدیریت سود کم‌تری را اعمال کردند. بررسی تأثیر شاخص تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص کلان اقتصادی بر ارتباط بین استراتژی و کیفیت سود نیز نشان داد که رشد تولید ناخالص داخلی بر ارتباط بین نوع استراتژی شرکت‌ها و کیفیت سود تأثیر معناداری نداشته است.

واژه‌های کلیدی: استراتژی شرکت، کیفیت سود، مدیریت سود، محافظه‌کاری.

۱. استادیار حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

۲. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

اصفهان

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۲/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۹/۵

*نویسنده مسئول: محمدعلی آقایی

aghaeim@modares.ac.ir

۱. مقدمه

مدیریت، فرآیند به کارگیری مؤثر منابع انسانی و امکانات مادی برای تحقق اهداف سازمانی است. تحقق این فرآیند به وسیله انجام وظایف اساسی مدیران، یعنی برنامه‌ریزی سازماندهی، هدایت و رهبری و کنترل و با توجه به نظام ارزشی حاکم بر سازمان امکان می‌یابد. مدیران کارا توانایی استفاده بهتر از منابع موجود را در فرآیند تحقق اهداف سازمانی دارند. به عبارت دیگر، مدیر کارا کسی است که بتواند با استفاده از حداقل امکانات، حداکثر بهره را به سازمان برساند. هدف نهایی واحدهای اقتصادی، کسب سود بیش‌تر است. توانایی مدیریت در به کارگیری منابع شرکت جهت کسب سود از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

نقش اطلاعات در زمینه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی بسیار حیاتی است و سرمایه‌گذاران بدون اطلاعات کافی، فرصت‌ها و خطرات سرمایه‌گذاری را به‌طور مناسب تشخیص نمی‌دهند. برای این که اطلاعات بتواند بر تصمیمات استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی مؤثر واقع شود، باید در زمان مناسب در اختیار آنان قرار گرفته شده باشد (مهدوی و جمالیان‌پور، ۱۳۸۹). یکی از اطلاعات مهمی که برای سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل از اهمیت خاصی برخوردار است، سود حسابداری می‌باشد و برای اینکه سود حسابداری جهت تصمیمات مالی و سرمایه‌گذاری مفید واقع شود باید دارای محتوای اطلاعاتی و کیفیت باشد. عوامل متفاوتی ممکن است بر کیفیت سود مؤثر باشد.

محققین طی دو دهه اخیر، عوامل تعیین‌کننده و پیامدهای کیفیت سود را مورد مطالعه قرار داده‌اند (دچو و اسکرند، ۲۰۱۰) اما موضوع مهمی که توجه محدودی به آن شده است نقش استراتژی شرکت‌ها در تعیین کیفیت سودهاست. کیفیت سود به‌صورت بالقوه‌ای تابع استراتژی شرکت‌ها می‌باشد چون تصمیمات سرمایه‌گذاری از استراتژی شرکت‌ها ناشی می‌شوند. تاکنون وابستگی‌های موجود بین استراتژی شرکت‌ها، انتظارات سرمایه‌گذار و گزارش‌دهی مالی تا درجه زیادی توسط محققین نادیده گرفته شده است که این مسئله به یک سوگیری موجود در فرآیند تصمیم‌گیری حسابداری مالی منتج می‌شود. این سوگیری ناشناخته منجر شده است به اینکه سرمایه‌گذاران یک تصویر ناقص از عملکرد شرکت دریافت کنند و همچنین اطلاعات نادرستی را راجع به موفقیت استراتژی‌های اجرا شده شرکت دریافت کنند. همچنین، بدون انجام تحقیق برای آگاهی درباره ارتباط احتمالی بین استراتژی شرکت‌ها و کیفیت سود سرمایه‌گذاران به‌گمراه شدن (از طریق صورت وضعیت‌های مالی شرکت) ادامه خواهند داد. بنابراین این مقاله برای آگاه کردن سرمایه‌گذاران، حسابداران، مدیران، حسابرس‌ها، و ناظرها درباره ارتباط بین نوع استراتژی شرکت‌ها و کیفیت سود کاربرد دارد. پس از بحران مالی جهانی، این تحقیق خصوصاً برای این مسأله مناسب است که می‌تواند به موحی از تحقیقات جدید هدایت شده کمک کند که می‌کوشد

تا از طریق ارتباط بهتر بین سرمایه‌گذاران و مدیران شرکت، تأثیرات منظم فروپاشی شرکت را محدود کند.

۲. مبانی نظری، پیشینه و تدوین فرضیه‌ها

۲.۱. استراتژی شرکت

استراتژی در اصطلاح عام برنامه‌ریزی و دورنمایی از اهداف آینده است که موجودیت در جهت نیل به اهداف خود آن استراتژی را تدوین و پیگیری می‌کند اما در علم مدیریت تدوین استراتژی همانا یکی از وظایف خطیر مدیریتی است که مبنای تصمیم‌گیری‌های حیاتی مدیران برای حفظ بقای سازمان و تعالی آن می‌باشد (تنانی و محب‌خواه، ۱۳۹۳). مفهوم استراتژی در طول دهه ۱۹۵۰ توسط محققین دانشکده اقتصاد و تجاری هاروارد گسترده‌تر شد. میتزبرگ (۱۹۸۷) استدلال می‌کند که یک استراتژی سازمانی به برنامه‌ها، طرح‌ها، موقعیت‌ها و دیدگاه‌های شرکت مربوط می‌باشد. محققین راجع به تمایز بین تدوین استراتژی و اجرای استراتژی به عنوان دو مرحله یک استراتژی توافق دارند (اسنو و هامبریک، ۱۹۸۰). این تعریف از آن نظر مهم است که به محققین استراتژی اجازه می‌دهد تا استراتژی را بر اساس داده‌های کمی سطح شرکت ملاحظه و اندازه‌گیری کنند. همچنین، آنچه را از استراتژی درک می‌کنیم که صرفنظر از فرآیند تدوین استراتژی درون شرکت اجرا شود.

در مطالعات محدودی به بررسی نقش استراتژی شرکت‌ها و کیفیت سود پرداخته شده است. در ایران، تنانی و محب‌خواه (۱۳۹۳) در پژوهشی ارتباطی بین نوع استراتژی و کیفیت سود را بررسی نمودند و نتیجه گرفتند که میزان کیفیت سود در شرکت‌های با استراتژی تدافعی نسبت به شرکت‌های با استراتژی تهاجمی کم‌تر است. عربصالحی و همکاران (۱۳۹۴) نیز پژوهشی در خصوص رابطه استراتژی شرکت و عملکرد مالی انجام داده و به این نتیجه رسیدند که نوع استراتژی شرکت‌های نمونه بر عملکرد مالی آن‌ها تأثیر معنی‌داری دارد. محمد و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که بین استراتژی شرکت‌ها و کیفیت سود ارتباط وجود دارد. بنتلی و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که شرکت‌ها با استراتژی آینده‌نگر بیش‌تر درگیر تخلفات گزارشگری مالی و به تبع آن مستلزم تلاش‌های حسابرسی بیش‌تری هستند.

نورالحق و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان استراتژی تجاری و کیفیت سود بیان می‌کنند که شرکت‌های با استراتژی تدافعی با سطوح بالایی از مدیریت سود و شرکت‌های با استراتژی آینده‌نگر با سطوح بالایی از محافظه‌کاری حسابداری مرتبط هستند. سارکار (۲۰۱۴) با

اجرای مطالعه‌ای در کانادا به این نتیجه رسید که استراتژی بازار شرکت‌ها می‌تواند در میزان اعمال مدیریت سود تأثیر داشته باشد. همچنین، آنا و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با موضوع استراتژی‌های چرخه‌های تجاری و ساختار سرمایه، در کشور آمریکا به این نتیجه دست یافتند که نوع استراتژی شرکت‌های مورد مطالعه بر ساختار سرمایه (اهرم مالی) تأثیر معنی‌داری دارد.

شرکت‌ها برای فرآیند تولید و خرید و فروش محصولات و ارائه خدمات هزینه‌های حقوق و دستمزد زیادی پرداخت می‌کنند. با گسترش فعالیت‌ها و مکانیزه شدن فرآیند تولید شرکت‌ها به سمت تولید و توزیع سرمایه‌ای و استفاده از ماشین‌آلات پیشرفته حرکت کرده‌اند. با این حال هیچ شرکتی به طور صد در صد سرمایه بر یا صد در صد کاربر نیست. بلکه، بیش‌تر متعادل به یکی از این دو استراتژی است. استفاده از هر استراتژی یعنی اینکه چه میزان از نیروی کار و یا چه میزان از ماشین‌آلات و فناوری بهره بگیرند، بر همه ابعاد شرکت مؤثر خواهد بود. برای مثال انتخاب استراتژیک بر میزان هزینه‌های حقوق و دستمزد، بهای تمام شده کالای فروش‌رفته، حجم فروش و بازاریابی، سهم از بازار و ... می‌تواند مؤثر باشد.

استراتژی را می‌توان راه و روش تحقق مأموریت سازمان تلقی کرد، به گونه‌ای که از این راه سازمان عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) و عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) را بررسی و شناسایی کرده و از قوت‌های داخلی و فرصت‌های خارجی به درستی بهره‌برداری نموده، ضعف‌های داخلی را از بین ببرد و از تهدیدهای خارجی نیز بپرهیزد.

در بررسی استراتژی‌ها درباره شیوه انتخاب استراتژی‌هایی بحث می‌شود که می‌توان بدان وسیله به بهترین شکل ممکن مأموریت سازمان را تحقق بخشید. توجه همزمان به مأموریت سازمان و استراتژی‌ها و بررسی اطلاعات داخلی و خارجی سازمان، مبنایی به دست می‌دهد که می‌توان بر آن اساس استراتژی‌های قابل اجرا را شناسایی و مورد ارزیابی قرار داد. استراتژی‌ها باعث می‌شوند که سازمان با طی کردن مراحل تدریجی از حالت کنونی خود پا را فراتر گذاشته و به جایگاه مورد نظر (در آینده) دست یابد. تجزیه و تحلیل موقعیت (داخلی و خارجی) و در نظر داشتن مأموریت سازمان، برای بررسی و انتخاب استراتژی ضروری است (بلوم و همکاران، ۱۹۹۸).

استراتژی تجاری واحدهای تجاری شامل استراتژی سرمایه‌بر و کاربر می‌باشد. استراتژی سرمایه بر می‌تواند به طرق مختلفی تعریف شود و در دامنه‌ای از مقیاس‌ها اندازه‌گیری شود. این اصطلاح در اصل یک مفهوم اقتصاد خرد است که به عوامل داخلی و خارجی هم چون تکنولوژی تولید، کار و سرمایه بستگی دارد (جوس و اوق، ۱۹۹۴). اگر یک فرآیند، یک مولفه کار (دستی) بزرگ و سرمایه خیلی کوچکی را به کار برد، گفته می‌شود که شیوه تولید آن کاربر می‌باشد. هنگامی که سرمایه به طریقی جانشین کار می‌شود که بازده را ثابت نگه می‌دارد، شیوه تولید

بیش‌تر سرمایه‌بر می‌باشد. بنابراین، شیوه تولیدی که بیش از همه سرمایه بر می‌باشد شیوه‌ایست که در آن سرمایه (مکانیزه شده) جانشین تمام کار شده است (بگ، فیشر و دورنباچ ۱۹۸۴). علاوه بر این، آنا و همکاران (۲۰۱۵) بیان کرده‌اند که یک شرکت با استراتژی سرمایه بر را به صورت یک مؤسسه اقتصادی توصیف می‌کنند که در آن سطح بالایی از سرمایه (مثلاً کارخانه‌ای مکانیزه) و سطح پایینی از کار وجود دارد.

بر حسب توصیف بالا درباره سرمایه‌بر و کاربر، مقیاس‌های ویژه زیر به کار برده می‌شوند تا سطح سرمایه را نشان دهند. از میزان سرمایه به کار برده شده در مقایسه با میزان کار به کار برده به عنوان یک مقیاس استفاده می‌کنند (لامینگز و بسانت، ۱۹۹۰).

سطح بالایی از به کار انداختن سرمایه در یک مؤسسه اقتصادی به کمک دارایی‌های ثابت خالص به دارایی‌های کل خالص نشان داده می‌شود. این نسبت، دارایی‌های ثابت خالص مربوط به مؤسسه‌های اقتصادی را به عنوان یک مقیاس ارزش پولی برای دارایی‌های کل خالص به کار می‌برد که به واسطه دارایی‌های ثابت یا اقلام سرمایه همچون زمین و ساختمان، تجهیزات و وسایل نقلیه جذب می‌شوند. کل دارایی‌های خالص شامل دارایی‌های ثابت خالص، سایر دارایی‌ها (مثلاً سرمایه‌گذاری‌ها) و دارایی‌های جاری می‌باشد. تعداد کارکنان نیز اغلب به عنوان یک مقیاس برای ماهیت تأکیدی کار مربوط به فعالیت‌های یک مؤسسه اقتصادی به کار برده می‌شود. بنابراین، دومین نسبتی که می‌توان در نظر گرفت دارایی‌های ثابت خالص نسبت به تعداد کارکنان می‌باشد که ارزش پولی دارایی‌های ثابت بنا بر هر کارمند را نشان می‌دهد. هر دو نسبت ذکر شده به عنوان تنها مقیاس‌هایی گزارش می‌شوند که می‌توانند برای تعریف کردن سرمایه‌بر و کاربر بودن مؤسسه به کار برده شوند.

دارایی‌های ثابت خالص ابزار فیزیکی مولدی را نشان می‌دهند که توسط مؤسسه اقتصادی برای به وجود آوردن محصولات و خدمات به همان روشی به کار برده می‌شوند که اقتصاد از سرمایه فیزیکی به عنوان یکی از فاکتورهای تولید برای به دست آوردن سطحی از بازده استفاده می‌کند. علاوه بر این مقیاس، نسبت دارایی‌های ثابت به تعداد کارکنان برای تعیین کاربر بودن به کار برده می‌شود. می‌توان فرض کرد که هر چه سرمایه در فرآیند تولید بیش‌تر باشد، یک مؤسسه اقتصادی کم‌تر به کار متکی می‌باشد.

ما مطابق پیشنهاد بلوم و همکاران با استفاده از داده‌های عینی دسته‌بندی شرکت‌ها را بر این اساس بنا می‌کنیم که آن‌ها به چه تناسبی در دو جهت‌گیری استراتژی یعنی استراتژی سرمایه بر و استراتژی کاربر می‌باشند. برای اینکه بتوان شرکت‌های سرمایه برو کاربر را از هم متمایز کرد از نسبت مالی پیشنهاد شده توسط بلوم و همکاران (۱۹۹۸) استفاده می‌کنیم، بدین گونه که:

شرکت‌هایی که نسبت خالص دارایی ثابت به مجموع دارایی‌های بالایی داشته باشند دارای استراتژی سرمایه‌بر و شرکت‌هایی که نسبت پایین‌تری داشته باشند دارای استراتژی کاربر هستند. به کاربردن شاخص‌های عینی برای سنجش استراتژی شرکت‌ها مزیت‌های دیگری دارد. اولاً برخلاف دیگر شیوه‌ها این شیوه سمت‌گیری ادراکی و تا اندازه‌ای سمت‌گیری تفسیری را کنترل می‌کند، دوماً این شیوه برای شناسایی استراتژی‌های اجرا شده یا تحقق یافته نسبتاً مناسب می‌باشد. مبحث بالا ما را به سمت تدوین فرضیه‌های زیر هدایت می‌کند:

فرضیه اول: نوع استراتژی در شرکت‌های سرمایه‌بر و کاربر، بر میزان اتخاذ سیاست محافظه‌کاری حسابداری تأثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم: نوع استراتژی در شرکت‌های سرمایه‌بر و کاربر، بر میزان اعمال مدیریت سود تأثیر معناداری دارد.

۲.۲. تأثیر محیط کلان اقتصادی

در شکل‌دهی استراتژی‌ها، شرکت‌ها همیشه باید بازار، صنعت و محیط‌های اقتصادی وسیع‌تری را ملاحظه کنند. بنابراین استراتژی تحقق یافته شرکت‌ها تا حدی وابسته به استراتژی در حال پیشرفت و تغییر کننده موجود خواهند بود که در آنجا شرکت‌ها تلاش می‌کنند تا به تغییرات موجود در محیط خارجی شرکت واکنش نشان دهند (میتزبرگ، ۱۹۸۷). فیفر و سالانیک (۱۹۸۷) اعتقاد دارند که شرکت‌ها توسط تأثیرات خارجی و محیطی شکل داده خواهند شد و استراتژی شرکت را در واکنش به محیط‌های خارجی محتمل به تصفیه فرآیندهای تصمیم‌گیری حسابداری شرکت می‌دانند.

تاکتیک‌های حسابداری شرکت اغلب اوقات وابسته به موقعیت شرکت (موقعیت جغرافیایی و تنظیمی) خواهند بود. علاوه بر این، تغییرات در محیط خارجی یک شرکت بر روابط موجود بین شرکت و تصمیم‌گیری حسابداری تأثیر می‌گذارند (لاپورتا و همکاران، ۲۰۰۰). به طور خلاصه تأثیر محیط اقتصادی کلان (به صورت بخشی از محیط خارجی) متحمل به تغییر اندازه و ساختار منافع هزینه‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری حسابداری می‌باشند و بدان وسیله روابط بین انتخاب‌های سیاست حسابداری و استراتژی شرکت را تغییر می‌دهند. بنابراین، فرضیه‌های بعدی به شرح زیر تدوین شده‌اند:

فرضیه سوم: محیط کلان اقتصادی (تولید ناخالص داخلی)، بر رابطه بین استراتژی شرکت و میزان اتخاذ محافظه‌کاری مؤثر است.

فرضیه چهارم: محیط کلان اقتصادی (تولید ناخالص داخلی)، بر رابطه بین استراتژی شرکت و میزان اعمال مدیریت سود مؤثر است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳.۱. نوع تحقیق

تحقیق حاضر بر اساس هدف، از نوع کاربردی و بر اساس ماهیت و روش، از نوع توصیفی-همبستگی است. این تحقیق بر اساس طرح تحقیق نیمه‌تجربی و با استفاده از رویکرد پس‌رویدادی (از طریق اطلاعات گذشته) انجام شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق و برآورد مدل‌ها، از رویکرد داده‌های ترکیبی استفاده شده است. روش گردآوری داده‌ها در تحقیق حاضر از نوع بررسی کتابخانه‌ای و فایل‌های آماده سازمان بورس اوراق بهادار تهران است.

۳.۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری در این تحقیق شامل کلیه شرکت‌هایی است که بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ (به مدت ۷ سال) در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده‌اند و عضویت خود را در این دوره حفظ کرده‌اند. از بین کلیه شرکت‌های پذیرفته شده، آن‌هایی که واجد هر یک از شرایط زیر نبوده‌اند، حذف شده و در نهایت تمامی شرکت‌های باقیمانده جهت انجام آزمون انتخاب شدند:

- ۱- شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن‌ها ۲۹ یا ۳۰ اسفند ماه نیست حذف شده‌اند.
- ۲- بانک‌ها و مؤسسات مالی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری مالی حذف شده‌اند.
- ۳- شرکت‌هایی که در طول دوره مورد بررسی همه داده‌های لازم برای محاسبه متغیرها را نداشته‌اند حذف شدند.
- ۴- شرکت‌ها باید قبل از سال ۱۳۸۷، در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و در طی دوره زمانی تحقیق تغییر سال مالی نداشته باشند.

با بررسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تعداد ۸۲ شرکت جهت برآورد مدل‌ها و آزمون فرضیه‌های تحقیق انتخاب شده‌اند. تعداد کل مشاهدات ۵۷۴ سال-شرکت می‌باشد.

۳.۳. ابزار اندازه‌گیری و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق پس از استخراج اطلاعات مورد نیاز از منابع ذکر شده و آماده‌سازی متغیرها با استفاده از نرم‌افزار Excel (ویرایش ۲۰۱۰) و انجام محاسبات لازم به منظور دستیابی به متغیرهای مورد نیاز جهت انجام تحقیق، برای محاسبه مدل‌های رگرسیون با استفاده از داده‌های گردآوری شده از نرم‌افزار Eviews (ویرایش ۹) استفاده شده است.

۳.۴. متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل این تحقیق نوع استراتژی شرکت بوده و متغیرهای وابسته نیز محافظه‌کاری و مدیریت سود (معیارهای سنجش کیفیت سود) می‌باشند. نحوه اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق به شرح زیر خواهد بود:

استراتژی شرکت شامل استراتژی سرمایه‌بر و استراتژی کاربر (متغیر مستقل) برای به دست آوردن متغیر مستقل، دو گروه شرکت در نظر گرفته می‌شوند که به سمت استراتژی کاربر گرایش دارند و یا به سمت استراتژی سرمایه‌بر. برای تشخیص تمایز موسسات اقتصادی سرمایه‌بر و کاربر، بر اساس دارایی‌های ثابت یک مقیاس مالی و کمی که در قبل گفته شد پیشنهاد می‌شود.

محیط کلان اقتصادی (متغیر تعدیل‌گر)

برای آزمایش کردن فرضیه ۳ و ۴ ما به یک نماینده برای محیط کلان اقتصادی کلان نیاز داریم. ما استدلال می‌کنیم که میزان تولید ناخالص داخلی یک معیار مناسب در محیط کلان اقتصادی کشور محسوب می‌شود. مقادیر این متغیر از سایت بانک مرکزی قابل استخراج است. برای کمی کردن این متغیر از میزان رشد تولید ناخالص داخلی استفاده شده به صورت یک متغیر دو وجهی است. به این صورت که اگر تولید ناخالص داخلی در سال جاری نسبت به سال قبل افزایش داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود.

متغیرهای وابسته

کیفیت سود شامل ۲ قسمت می‌باشد:

الف) محافظه‌کاری حسابداری که مقیاس آن رابطه زیر است (مدل گیولی و هان، ۲۰۰۰):

$$CON_{it} = -\frac{ACC_{it}}{TA_{it}} \quad (1)$$

ACC it : جمع اقلام تعهدی می‌باشد که حاصل تفاوت سود عملیاتی و جریان نقد عملیاتی است و TA it : مجموع دارایی‌هاست که هر دو برای شرکت i در پایان سال مالی t می‌باشد. به عقیده گیولی و هاین (۲۰۰۰) رشد اقلام تعهدی می‌تواند شاخصی از تغییر در درجه محافظه‌کاری حسابداری در طول یک دوره بلند مدت باشد. به بیانی دیگر، اگر اقلام تعهدی افزایش یابد، در آن صورت محافظه‌کاری کاهش می‌یابد و بر عکس. از این رو برای تعیین جهت تغییرات محافظه‌کاری اقلام تعهدی در عدد منفی یک ضرب می‌شود.

ب) مدیریت سود - اقلام تعهدی اختیاری

مدیریت سود که به عنوان متغیر وابسته تحقیق به کار گرفته می‌شود از طریق مدل تعدیل‌شده جونز (۱۹۹۵) به شرح مدل (۲) اندازه‌گیری خواهد شد. این مدل نشان دهنده اقلام تعهدی اختیاری است. سود حسابداری از دو بخش اقلام نقدی و اقلام تعهدی تشکیل شده است و اقلام

تعهدی نیز به اقلام تعهدی اختیاری و اقلام تعهدی غیراختیاری تقسیم می‌شود. مدیریت برای دستکاری سود از اقلام تعهدی سود استفاده می‌کند زیرا، این اقلام بر خلاف اقلام نقدی تحت تأثیر روش‌های حسابداری و زمانبندی معاملات است. اقلام تعهدی اختیاری سود با احتمال بیش‌تری مورد دستکاری مدیریت قرار می‌گیرند. اندازه نهایی حاصل شده برای مدیریت سود، باقیمانده‌های ناشی از تخمین مدل (۲) خواهد بود.

$$\text{DiscAcc}_t = \text{TA} - [\beta_1 1/\text{Assets}_{t-1} + \beta_2 (\Delta \text{Sales}_t - \Delta \text{Recievables}_t) + \beta_3 \text{PPE}_t] \quad (2)$$

که در این رابطه:

$\text{DiscAcc}_{i,t}$: اقلام تعهدی اختیاری در سال t برای شرکت i ؛

$\text{TA}_{i,t}$: کل اقلام تعهدی در سال t برای شرکت i ؛

$\text{Sales}_{i,t}$: کل فروش در سال t برای شرکت i ؛

$\text{Recievables}_{i,t}$: حساب‌های دریافتنی در سال t برای شرکت i ؛

$\text{PPE}_{i,t}$: جمع دارایی‌های ثابت (اموال، ماشین آلات و تجهیزات) در سال t برای شرکت i و

$\text{Assets}_{i,t-1}$: جمع کل دارایی‌ها در سال $t-1$ برای شرکت i است (همه متغیرها بر جمع دارایی‌ها تقسیم شده‌اند).

برای بررسی فرضیه‌های اول و سوم الگوی اقتصادسنجی زیر به کار رفته است:

$$\text{CON}_{it} = \beta_0 - \beta_1 \text{STRT}_{it} + \beta_2 \text{GDPDummy}_{it} + \beta_3 \text{STRT}_{it}^* + \beta_4 \text{LN_Assets}_{it} + \beta_5 \text{LEV}_{it} + \beta_6 \text{G_Sales}_{it} + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

در این مدل:

CON: متغیر محافظه‌کاری است؛

STRT: استراتژی شرکت است که پیش از این به نحوه کمی کردن آن اشاره شد؛

LN_ASSETS: لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت؛

LEV: نسبت مجموع بدهی‌های پایان سال شرکت به جمع دارایی‌ها؛

G_SALES: میزان رشد فروش است که به صورت فروش سال جاری منهای فروش در سال

قبل تقسیم بر فروش در سال قبل محاسبه می‌شود؛

GDP_Dummy: یک متغیر دو وجهی است که برای سال‌های رشد تولید ناخالص داخلی ۱ و

در غیر این صورت صفر کدگذاری شده است؛

پس از برآورد مدل (۳) از معنادار بودن ضرایب α_1 و α_3 به ترتیب برای پذیرش یا رد

فرضیه‌های اول و دوم استفاده می‌شود.

برای بررسی فرضیه‌های سوم و چهارم الگوی اقتصادسنجی زیر به کار رفته است:

$$\begin{aligned} \text{DACC}_{it} = & \beta_0 - \beta_1 \text{STRT}_{it} + \beta_2 \text{GDPDummy}_{it} + \beta_3 \text{STRT}_{it} \times \\ & \text{GDPDummy}_{it} + \beta_4 \text{LN_Assets}_{it} + \beta_5 \text{LEV}_{it} + \beta_6 \text{G_Sales}_{it} + \beta_7 \\ & \text{G_PPE}_{it} + \beta_8 \text{CFO}_{it} + \beta_9 \text{LOSS}_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad (4)$$

DACCR: بیانگر ارقام تعهدی اختیاری به عنوان شاخص اندازه‌گیری مدیریت سود است؛
G_PPE: میزان رشد ناخالص PPE (جمع دارایی‌های ثابت) که به صورت PPE سال جاری
منهای PPE در سال قبل تقسیم بر PPE در سال قبل محاسبه شده است؛
CFO: گردش وجوه نقد عملیاتی است که برای همگن شدن به جمع کل دارایی‌ها تقسیم
می‌شود؛

LOSS: بیانگر زیان است و در صورتی که شرکت زیان خالص داشته باشد مقدار ۱ و در غیر این
صورت مقدار صفر می‌گیرد.

پس از برآورد مدل (۴) از معنادار بودن ضرایب α_1 و α_3 به ترتیب برای پذیرش یا رد
فرضیه‌های سوم و چهارم استفاده می‌شود.

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. آماره‌های توصیفی تحقیق

آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق که شامل میانگین، میانه، حداکثر، حداقل و
انحراف معیار داده‌های تحقیق است محاسبه و در جدول ۱ ارائه شده است.

در خصوص متغیر شاخص محافظه‌کاری بیش‌ترین مقدار ۱/۹۱ و کم‌ترین مقدار ۱/۲۸- بوده
است. مقدار متوسط داده‌ها برای متغیر محافظه‌کاری ۰/۷۴ می‌باشد. انحراف معیار نیز ۰/۸۷ به
دست آمده و نشان می‌دهد که نوسان داده‌ها حول میانگین به میزان ۸۷ صدم بوده است. در
خصوص متغیر شاخص مدیریت سود بیش‌ترین مقدار ۲/۲۳ و کم‌ترین مقدار ۰/۸۱- بوده است.
مقدار متوسط داده‌ها برای متغیر مدیریت سود ۰/۱۶ می‌باشد. انحراف معیار نیز ۰/۶۹ به دست
آمده و نشان می‌دهد که نوسان داده‌ها حول میانگین به میزان ۶۹ صدم بوده است.

در خصوص متغیر مستقل یعنی نوع استراتژی شرکت مشاهده می‌شود که میانگین آن ۰/۲۶
و میانه این متغیر ۰/۲۳ است. نزدیک بودن این دو آماره حاکی از نرمال بودن داده‌های این متغیر
است. انحراف معیار نیز ۰/۱۹ به دست آمده و نشان می‌دهد که نوسان داده‌ها حول میانگین به
میزان ۱۹ صدم بوده است. اگر متغیر دو وجهی تولید ناخالص داخلی مقدار صفر داشته باشد،
ضرایب α_2 و α_3 در مدل‌های رگرسیون حذف می‌شوند و چنانچه ۱ باشد، این ضرایب در مدل

باقی می‌ماند. میانگین مربوط به این متغیر در بین کل داده‌ها معادل ۰/۶۲ بوده است. سایر متغیرها نیز به همین صورت قابل تفسیر است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
محافظة کاری	۰/۷۴	۰/۳۶	۱/۹۱	-۱/۲۸	۰/۸۷
مدیریت سود	۰/۱۶	۰/۱۲	۲/۲۳	-۰/۸۱	۰/۶۹
نوع استراتژی	۰/۲۶	۰/۲۳	۰/۷۸	۰/۰۱	۰/۱۹
تولید ناخالص داخلی	۰/۶۲	۱	۱	۰	۰/۴۱
اندازه شرکت	۵/۸۱	۵/۶۹	۸/۷۱	۳/۶۷	۰/۹۱
اهرم مالی	۰/۴۸	۰/۴۱	۰/۹۲	۰/۰۸	۰/۲۲
رشد فروش	۰/۴۸	۰/۴۴	۱/۸۳	-۱/۶۴	۱/۳۹
رشد دارایی‌های ثابت	۰/۱۲	۰/۰۸	۴/۳۲	-۱/۲۸	۱/۱۹
جریان وجه نقد عملیاتی	۰/۳۸	۰/۲۲	۱/۷۸	-۰/۹۴	۰/۴۴
زیان	۰/۲۷	۰	۱	۰	۰/۲۹

تعریف متغیرها:

CON: (متغیر وابسته) محافظه کاری؛

DACCR: (متغیر وابسته) مدیریت سود؛

STRT: (متغیر مستقل) بیانگر نوع استراتژی شرکت است (سرمایه‌بر و کاربر)؛

GDP_Dummy: (متغیر تعدیل‌گر) بیانگر تولید ناخالص داخلی؛

Ln_Assets: (متغیر کنترلی) بیانگر اندازه شرکت؛

LEV: (متغیر کنترلی) بیانگر اهرم مالی؛

G_Sales: (متغیر کنترلی) بیانگر رشد فروش؛

G_PPE: (متغیر کنترلی) بیانگر رشد دارایی‌های ثابت؛

CFO: (متغیر کنترلی) بیانگر جریان وجه نقد عملیاتی و

LOSS: (متغیر کنترلی) بیانگر زیان است.

منبع: محاسبات محقق

۴.۲. انتخاب مدل مناسب در داده‌های ترکیبی

در استفاده از داده‌های ترکیبی از مدل‌های مختلفی برای آزمون فرضیه‌ها استفاده می‌شود. این مدل‌ها شامل روش‌هایی مانند مدل اثر ثابت، مدل اثر تصادفی و مدل داده‌های تلفیقی (*pooled*) است. همچنین، آزمون‌های مختلفی برای تعیین نوع مدل متناسب با داده‌های تحقیق، مانند آزمون چاو، هاسمن وجود دارد.

برای بررسی نوع آزمون مدل در مقاطع و دوره‌های زمانی مختلف داده‌های ترکیبی، از آزمون F لیمر (چاو) و هاسمن استفاده شده است. در آزمون چاو، اگر آماره چاو حاصل از آزمون معنادار باشد، فرضیه صفر رد می‌شود و مدل اثر ثابت (پانل دیتا) پذیرفته می‌شود. در حالت معنادار نبودن آماره مزبور، از روش داده‌های تلفیقی یا یکپارچه برای آزمون فرضیه‌ها استفاده می‌شود. در آزمون هاسمن نیز، اگر آماره هاسمن حاصل شده از آزمون معنادار باشد، فرضیه صفر رد می‌شود و مدل اثرات ثابت پذیرفته می‌شود. در حالت معنادار نبودن آماره مزبور، از مدل اثرات تصادفی برای آزمون فرضیه‌ها استفاده می‌شود. نتایج آزمون چاو در جدول ۲ ارائه شده است.

نتایج آزمون چاو برای مدل دوم فرض صفر این آزمون مبنی بر مشابه بودن عرض از مبدا در تمام دوره‌ها را تأیید و فرض یک را رد کرده است (زیرا، p -value مربوط به این آزمون بیش‌تر از ۵٪ است). لذا، روش تخمین داده‌های تلفیقی (pooled data) برای برآورد مدل آزمون مدل دوم، گزینه مناسب‌تری است. اما، در مورد مدل اول نتایج حاکی از این بوده است که نیاز به انجام آزمون هاسمن می‌باشد (زیرا، p -value مربوط به آزمون چاو کمتر از ۵٪ است). نتایج آزمون هاسمن برای مدل (۱) نشان می‌دهد که فرض صفر این آزمون تأیید شده است (زیرا، p -value مربوط به این آزمون بیش‌تر از ۵٪ است). لذا، روش اثرات تصادفی (Random Effect) برای برآورد مدل اول، گزینه مناسب‌تری است.

جدول ۲: نتایج تعیین نوع مدل مناسب در داده‌های ترکیبی

مدل مورد آزمون	نوع آزمون	آماره آزمون	p-value	نتیجه آزمون
مدل (۱)	آزمون چاو	۲/۲۵۰۲	۰/۰۰۰۰	انجام آزمون هاسمن
	آزمون هاسمن	۰/۰۲۸۳	۰/۹۳۷۸	مدل اثرات تصادفی
مدل (۲)	آزمون چاو	۰/۷۴۷۵	۰/۹۴۱۶	مدل تلفیق داده‌ها
	آزمون هاسمن	-	-	Pooled data

۴.۳. برآورد الگو و آزمون فرضیه‌ها

۴.۳.۱. نتایج آزمون الگوی اول تحقیق

نتایج آزمون معناداری مدل (۱) و بررسی ضرایب مزبور به روش اثرات تصادفی (داده‌های پانل) برای سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ در جدول ۳ قابل مشاهده است. همانگونه که در جدول مشاهده می‌شود، آماره F فیشر، با سطح اطمینان ۹۹٪ معنی‌دار است. بنابراین، نتیجه می‌شود که مدل تحقیق در کل معنی‌دار بوده و متغیرهای مستقل و کنترلی توانایی توضیح متغیر وابسته مدل اول

را دارند. علاوه بر این، ضریب تعیین تعدیل شده حاصل از آزمون مدل اول، $0/32$ بوده است. این رقم نشان می‌دهد که حدوداً ۳۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی محافظه‌کاری ناشی از تغییرات متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل بوده و ۶۸ درصد دیگر تغییرات آن ناشی از سایر عوامل است.

برای بررسی خود همبستگی باقیمانده‌های مدل رگرسیون از آزمون دوربین واتسون استفاده شده است. اگر مقدار این آماره بین $1/5$ تا $2/5$ باشد، خود همبستگی در مقادیر خطای مدل رد می‌شود. آماره آزمون دوربین واتسون مدل رگرسیون اول $1/913$ می‌باشد. با توجه به میزان آماره دوربین واتسون حاصل شده وجود خود همبستگی در مقادیر خطای مدل رد می‌شود.

با توجه به نتایج جدول ۳ آماره t مربوط به متغیر مستقل استراتژی و سطح معناداری آن به ترتیب $2/17$ و $0/032$ بوده است. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش $0/05$ بوده است، بنابراین در مورد متغیر نوع استراتژی شرکت می‌توان چنین نتیجه گرفت که این متغیر با سطح خطای 5% با میزان محافظه‌کاری حسابداری ارتباط معناداری داشته است. ضریب متغیر استراتژی (α_1) مثبت می‌باشد. در نتیجه، نوع رابطه بین نوع استراتژی شرکت و میزان اتخاذ محافظه‌کاری حسابداری در شرکت رابطه‌ای مستقیم است. به بیان دیگر، با حرکت شرکت‌های نمونه به سوی استراتژی سرمایه‌ای نسبت به کاربر بودن، میزان اعمال محافظه‌کاری افزایش یافته است. بنابراین، فرضیه اول تحقیق مورد تأیید قرار گرفته است.

جدول ۳: نتایج آزمون مدل رگرسیون اول - فرضیه اول و سوم

آزمون مدل با شاخص اول کیفیت سود: محافظه‌کاری				شرح
p-value	t-static	ضریب	پارامتر	
0/028	2/46	2/23	α_0	ضریب ثابت
0/032	2/17	4/31	α_1	نوع استراتژی
0/268	1/21	0/08	α_2	تولید ناخالص داخلی - مجازی
0/483	0/89	1/31	α_3	تولید ناخالص داخلی \times استراتژی
0/004	3/41	0/04	α_4	اندازه شرکت
0/000	-4/93	-3/22	α_5	اهرم مالی
0/728	0/038	5/52	α_6	رشد فروش
0/320				ضریب تعیین تعدیل شده
(0/000) 4/63				آماره F (معنی‌داری)
1/913				آماره دوربین واتسون

منبع: محاسبات محقق

آزمون معنادار بودن ضرایب همان چیزی است که پژوهش‌گر به دنبال آن می‌باشد. در واقع این آزمون علاوه بر تعیین معناداری ضرایب، جهت اثر آن ضرایب بر متغیر وابسته را نیز تعیین می‌کند. آماره مربوط برای تعیین معناداری ضرایب، آماره t استیودنت می‌باشد. مدل اول تحقیق پس از تخمین و تعیین ضرایب متغیرها به صورت زیر خواهد بود. در این مدل، متغیرهایی که ضرایب معناداری نداشته‌اند از مدل کنار گذاشته شدند.

$$CON_{it} = 2/23 + 4/31 STRT_{it} + 0/04 LN_Assets_{it} - 3/22 LEV_{it} + \varepsilon$$

در این مدل، ضریب متغیر نوع استراتژی $4/31$ بوده است. این عدد به این معناست که چنانچه متغیر $STRT$ یک واحد افزایش یابد، شاخص محافظه‌کاری (CON) به عنوان متغیر وابسته $5/29$ واحد افزایش می‌یابد.

برای آزمون فرضیه سوم باید به معنادار بودن ضریب α_3 در مدل تحقیق توجه نمود. در مورد ضریب متغیر تولید ناخالص داخلی \times استراتژی مشاهده می‌شود که سطح معناداری حاصل شده از $0/05$ بالاتر بوده است. لذا، در مورد این متغیر می‌توان چنین نتیجه گرفت که اضافه کردن عامل اقتصاد کلان یعنی متغیر تولید ناخالص داخلی به مدل رگرسیون، منجر به معنادار شدن ضریب متغیر مورد نظر نشده است. به بیان دیگر، متغیر تولید ناخالص داخلی تأثیر معناداری بر رابطه بین نوع استراتژی شرکت و محافظه‌کاری حسابداری نداشته است. لذا، فرضیه سوم تحقیق مورد تأیید قرار نگرفته است.

۴.۳.۲. نتایج آزمون الکوی دوم تحقیق

نتایج آزمون معناداری مدل (۲) و بررسی ضرایب مزبور به روش حداقل مربعات (پول دیتا) برای سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ در جدول ۴ قابل مشاهده است. همانگونه که در جدول مشاهده می‌شود، آماره F فیشر با سطح اطمینان 99% معنی‌دار است. علاوه بر این، ضریب تعیین تعدیل شده حاصل از آزمون مدل $0/42$ بوده است. این رقم نشان می‌دهد که حدوداً 42% درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی شاخص مدیریت سود، ناشی از تغییرات متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل بوده و 58% درصد دیگر تغییرات آن ناشی از سایر عوامل است. آماره آزمون دوربین واتسون مدل رگرسیون دوم $1/85$ می‌باشد. با توجه به میزان آماره دوربین واتسون حاصل شده وجود خودهمبستگی در مقادیر خطای مدل رد می‌شود. مدل دوم تحقیق پس از تخمین و تعیین ضرایب متغیرها به صورت زیر خواهد بود. در این مدل، متغیرهایی که ضرایب معناداری نداشته‌اند از مدل کنار گذاشته شدند.

$$DACCR_{it} = 0/81 - 0/12 STRT_{it} - 0/14 LN_Assets_{it} - 0/28 LEV_{it} + \varepsilon$$

در این مدل، ضریب متغیر نوع استراتژی $0/12$ - بوده است. این عدد به این معناست که چنانچه متغیر $STRT$ یک واحد افزایش یابد، شاخص مدیریت سود به عنوان متغیر وابسته 12 صدم واحد کاهش می‌یابد.

با توجه به نتایج جدول ۴ آماره t مربوط به متغیر مستقل استراتژی و سطح معناداری آن به ترتیب $2/72$ - و $0/21$ بوده است. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش $0/05$ بوده است، بنابراین در مورد متغیر نوع استراتژی شرکت می‌توان چنین نتیجه گرفت که این متغیر با سطح خطای 5% با میزان اعمال مدیریت سود ارتباط معناداری داشته است. ضریب متغیر استراتژی (α_1) منفی می‌باشد. در نتیجه، رابطه بین نوع استراتژی شرکت و میزان اعمال مدیریت سود در شرکت رابطه‌ای معکوس است. به بیان دیگر، با حرکت شرکت‌های نمونه به سوی استراتژی سرمایه‌ای نسبت به کاربر بودن، میزان اعمال مدیریت سود کاهش یافته است. بنابراین، فرضیه دوم تحقیق مورد تأیید قرار گرفته است.

جدول ۴: نتایج آزمون مدل رگرسیون دوم - فرضیه دوم و چهارم

آزمون مدل با شاخص اول کیفیت سود: مدیریت سود				شرح
معنی‌داری	آماره t	ضریب	پارامتر	
$0/000$	$6/61$	$0/81$	α_0	ضریب ثابت
$0/021$	$-2/72$	$-0/12$	α_1	نوع استراتژی
$0/173$	$1/38$	$0/14$	α_2	تولید ناخالص داخلی - مجازی
$0/207$	$-0/69$	$-0/36$	α_3	تولید ناخالص داخلی \times استراتژی
$0/006$	$-4/08$	$-0/14$	α_4	اندازه شرکت
$0/012$	$-3/16$	$-0/28$	α_5	اهرم مالی
$0/772$	$-1/08$	$0/19$	α_6	رشد فروش
$0/438$	$-1/29$	$-0/03$	α_7	رشد دارایی‌های ثابت
$0/817$	$0/32$	$0/16$	α_8	جریان وجوه نقد عملیاتی
$0/794$	$0/89$	$0/03$	α_9	زیان
$0/42$				ضریب تعیین تعدیل شده
$(0/000) 6/71$				آماره F (معنی‌داری)
$1/85$				آماره دوربین واتسن

منبع: محاسبات محقق

برای آزمون فرضیه چهارم باید به معنادار بودن ضریب α_3 در مدل تحقیق توجه نمود. در مورد ضریب متغیر تولید ناخالص داخلی \times استراتژی مشاهده می‌شود که سطح معناداری حاصل شده بیش‌تر از $0/05$ بوده است. لذا، در مورد این متغیر می‌توان چنین نتیجه گرفت که اضافه کردن عامل کلان اقتصاد یعنی متغیر تولید ناخالص داخلی به مدل رگرسیون، منجر به معنادار شدن ضریب متغیر مورد نظر نشده است. به بیان دیگر، متغیر تولید ناخالص داخلی تأثیر معناداری بر رابطه بین نوع استراتژی شرکت و مدیریت سود نداشته است. لذا، فرضیه چهارم تحقیق مورد تأیید قرار نگرفته است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول تحقیق به بررسی ارتباط بین نوع استراتژی شرکت و کیفیت سود با شاخص محافظه‌کاری می‌پردازد. در این فرضیه به پیروی از تحقیق محمد و همکاران (۲۰۱۳) از متغیر محافظه‌کاری به عنوان شاخص کیفیت سود استفاده شد و برای این منظور مدل گیولی و هان (۲۰۰۰) به کار گرفته شد. به این صورت که هر چه این شاخص بیش‌تر باشد میزان اعمال محافظه‌کاری بیش‌تر بوده است. همچنین، هر چه اعمال محافظه‌کاری در شرکت بیش‌تر باشد کیفیت سود نیز بیش‌تر خواهد بود. استراتژی شرکت‌ها در انتخاب نوع منابع به دو دسته استراتژی سرمایه‌بر و استراتژی کاربر تقسیم می‌شوند. انتظار اولیه محقق با توجه به مبانی نظری و نتایج تحقیق محمد و همکاران (۲۰۱۳) وجود ارتباط معنادار بین نوع استراتژی شرکت و کیفیت سود با شاخص محافظه‌کاری بوده است.

نتایج برآورد مدل رگرسیون اول تحقیق نشان داد که ضریب متغیر مستقل مورد نظر در مدل یعنی نوع استراتژی شرکت معنادار بوده و رابطه مثبت و مستقیمی بین استراتژی شرکت و محافظه‌کاری حسابداری وجود دارد. یعنی، فرضیه اول مورد تأیید قرار گرفته است. به بیان دیگر، هر چه استراتژی شرکت به سوی استراتژی سرمایه‌بر حرکت می‌کند، میزان اتخاذ محافظه‌کاری بیش‌تر و کیفیت سود در این شرکت‌ها افزایش می‌یابد.

نتیجه فرضیه اول چنین تفسیر می‌شود که در شرکت‌هایی که استراتژی آن‌ها به سمت سرمایه‌ای بودن گرایش بیش‌تری داشته‌اند، تولید محصولات بیش‌تر به صورت مکانیزه تولید می‌شود. در این شرکت‌ها حجم دارایی‌ها و تجهیزات و ماشین‌آلات به کار گرفته شده بیش‌تر است. لذا، عمده هزینه‌های تولید شامل سربار تولید است و هزینه‌های دستمزد کم‌تری پرداخت می‌شود. تولید مکانیزه منجر به کاهش اتلاف و ضایعات و افزایش سرعت در تولیدات می‌شود. این موضوع به سودآوری شرکت کمک می‌کند. لذا، مدیران بیش‌تر محافظه‌کار می‌شوند

بنابراین، در جهت افزایش کیفیت سود تلاش می‌کنند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول تحقیق با نتیجه تحقیق محمد و همکاران (۲۰۱۳) مطابقت داشته است. هامبریک (۱۹۸۳) نیز بیان کرد شرکت‌هایی که سرمایه‌گذاری بیش‌تری بر تجهیزات و تحقیق و توسعه می‌نمایند، کیفیت سود بالاتری دارند. نتایج تحقیق ما نیز نشان داد که در ایران نیز چنین است. زیرا، هدف اولیه از بررسی این فرضیه، مطالعه رابطه نوع استراتژی و محافظه‌کاری در فضای ایران بوده است.

فرضیه دوم تحقیق به بررسی ارتباط بین نوع استراتژی شرکت و کیفیت سود با شاخص مدیریت سود می‌پردازد. در این فرضیه به پیروی از تحقیق محمد و همکاران (۲۰۱۳) از متغیر مدیریت سود به عنوان شاخص کیفیت سود استفاده شد و برای این منظور مدل جونز (۱۹۹۵) که مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری است به کار گرفته شد. به این صورت که هر چه این شاخص بیش‌تر باشد میزان اعمال مدیریت سود بیش‌تر بوده است. همچنین، هر چه اعمال مدیریت سود در شرکت بیش‌تر باشد کیفیت سود کم‌تر خواهد بود. استراتژی شرکت‌ها در انتخاب نوع منابع نیز به دو دسته استراتژی سرمایه‌بر و استراتژی کاربر تقسیم می‌شوند. انتظار اولیه‌ی محقق با توجه به مبانی نظری و نتایج تحقیق محمد و همکاران (۲۰۱۳) وجود ارتباط معنادار بین نوع استراتژی شرکت و کیفیت سود با شاخص مدیریت سود بوده است.

نتایج برآورد مدل رگرسیون دوم تحقیق نشان داد که ضریب متغیر مستقل مورد نظر در مدل یعنی نوع استراتژی شرکت معنادار بوده و رابطه منفی و معکوسی بین استراتژی شرکت و مدیریت سود وجود دارد. یعنی، فرضیه دوم مورد تأیید قرار گرفته است. به بیان دیگر، نتیجه چنین تفسیر می‌شود که در شرکت‌هایی که استراتژی آن‌ها به سمت سرمایه‌ای بودن گرایش بیش‌تری داشته‌اند، مدیریت سود کم‌تری را اعمال کردند. هدف اولیه از بررسی این فرضیه مطالعه رابطه نوع استراتژی و مدیریت سود در فضای ایران بوده است.

در **فرضیه سوم** شاخص تولید ناخالص داخلی به عنوان یک عامل کلان اقتصادی به مدل اول اضافه شد. محمد و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیق خود بیان کردند که شرکت‌ها همواره تحت تأثیر شرایط بازار و محیط خارجی هستند. زیرا، تغییر در شرایط خارجی و محیط اقتصادی بر عرضه و تقاضای بازار محصول مورد فعالیت شرکت مؤثر است. آنان معتقد بودند که در شرایط رشد شاخص کلان اقتصادی، شرکت‌های سرمایه‌بر کیفیت سود بالاتری دارند. اضافه شدن این متغیر به این منظور بوده است که بررسی شود آیا رشد تولید ناخالص داخلی که نشان دهنده شرایط مطلوب اقتصادی در کشور است، می‌تواند بر ارتباط بین استراتژی شرکت و کیفیت سود مؤثر باشد یا خیر؟

انتظار اولیه محقق این بوده است که با رشد اقتصادی و بهبود شاخص تولید ناخالص داخلی شرکت‌ها به سمت استفاده از تولید سرمایه‌ای خواهند رفت و این موضوع منجر به کیفیت سود بیش‌تر می‌شود. اما، با توجه به نتایج ارائه شده رابطه بین نوع استراتژی و محافظه‌کاری با اضافه شدن تولید ناخالص داخلی به مدل معنادار نبوده است و فرضیه سوم تحقیق مورد تأیید قرار نگرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم تحقیق با نتیجه تحقیق محمد و همکاران (۲۰۱۳) مطابقت نداشته است. زیرا، ایشان در تحقیق خود در کشور نیوزلند به این نتیجه دست یافتند که با افزایش رشد تولید ناخالص داخلی رابطه مثبت بین میزان استراتژی و میزان اتخاذ محافظه‌کاری افزایش می‌یابد اما در نتایج بدست آمده از این تحقیق در ایران شاخص کیفیت سود تحت تأثیر شرایط اقتصاد کلان کشور نیست.

در فرضیه چهارم شاخص تولید ناخالص داخلی به عنوان یک عامل کلان اقتصادی به مدل دوم اضافه شد. محمد و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیق خود بیان کردند که شرکت‌ها همواره تحت تأثیر شرایط بازار و محیط خارجی هستند. زیرا، تغییر در شرایط خارجی و محیط اقتصادی بر عرضه و تقاضای بازار محصول مورد فعالیت شرکت مؤثر است. آنان معتقد بودند که در شرایط رشد شاخص کلان اقتصادی، شرکت‌های سرمایه‌بر کیفیت سود بالاتری (یا مدیریت سود کم‌تری) دارند. اضافه شدن این متغیر به این منظور بوده است که بررسی شود آیا رشد تولید ناخالص داخلی که نشان دهنده شرایط مطلوب اقتصادی در کشور است، می‌تواند بر ارتباط بین استراتژی شرکت و مدیریت سود مؤثر باشد یا خیر؟

انتظار اولیه محقق این بوده است که با رشد اقتصادی و بهبود شاخص تولید ناخالص داخلی شرکت‌ها به سمت استفاده از تولید سرمایه‌ای خواهند رفت و این موضوع منجر به کیفیت سود بیش‌تر می‌شود. اما، با توجه به نتایج ارائه شده در فصل چهارم، رابطه بین نوع استراتژی و مدیریت سود با اضافه شدن تولید ناخالص داخلی به مدل معنادار نبوده است و فرضیه چهارم نیز مورد تأیید قرار نگرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم تحقیق با نتیجه تحقیق محمد و همکاران (۲۰۱۳) مطابقت نداشته است. هدف از آزمون این فرضیه بررسی موضوع در فضای ایران بوده است که نتایج به دست آمده حاکی از این است که در ایران شاخص کیفیت سود تحت تأثیر شرایط اقتصاد کلان کشور نیست.

ما در این تحقیق به دنبال این بودیم تا ببینیم آیا در ایران نیز چنین نتایجی قابل استفاده هست یا خیر؟ نتایج تحقیق در کل نشان داد که شرکت‌های سرمایه‌بر در بورس اوراق بهادار تهران دارای کیفیت سود بالاتری هستند. تأیید فرضیه‌های اول و دوم که به ترتیب از شاخص محافظه‌کاری و مدیریت سود به عنوان شاخص کیفیت سود استفاده کردند؛ حاکی از تأیید این

ادعا است. اما، ارتباط بین این متغیرها تحت تأثیر متغیر کلان اقتصادی نیست. یعنی در دوره‌هایی که همراه با رشد تولید ناخالص داخلی بوده است نسبت به دوره‌های دارای رکود، ارتباط بین نوع استراتژی و کیفیت سود تفاوت معناداری نداشته است. نتایج حاصل از تحقیق حاضر می‌تواند برای مدیران شرکت در اتخاذ نوع استراتژی و سهامداران جهت توجه به عوامل مؤثر بر کیفیت سود مفید واقع شود.

با انجام هر تحقیق، راه به سوی مسیری جدید باز می‌شود و ادامه راه مستلزم انجام تحقیق‌های دیگری است. بنابراین، انجام تحقیق‌هایی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

الف) مطالعه تأثیر نوع استراتژی شرکت بر هزینه سرمایه و ریسک شرکت‌های بورسی.

ب) بررسی تأثیر نوع استراتژی شرکت و کیفیت سود به تفکیک صنایع مختلف و مقایسه بین این صنایع.

د) بررسی تأثیر نوع استراتژی شرکت و سایر معیارهای کیفیت سود مانند مدل سود و بازده و محتوای اطلاعاتی سود و پایداری سود و ...

منابع

بگ، د.، استنلی، ف. و دورنبوش، ر. (۱۳۸۵). علم اقتصاد (اقتصادکلان). ترجمه محمدحسین تیزهوش تابان. تهران: انتشارات جنگل. جلد ۲، ۸۹۰.

تنانی، م. و محب‌خواه م. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین استراتژی کسب و کار با کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۳ (۱)، ۱۰۵-۱۲۷.

عربصالحی، م.، مویدفر، ر. و کریمی، س. (۱۳۹۴). تأثیر ریسک و استراتژی شرکت و ساختار سرمایه بر عملکرد مالی، *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۳ (۳)، ۴۷-۷۰.

مهدوی، م. و جمالیان پور ر. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط میان ارزش شرکت با نرخ تورم در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۷۳-۱۳۸۳. *بررسی‌های اقتصادی*، ۴ (۳)، ۴۵-۶۰.

Anna, M., Sotiria, T., Anna, T. and Alexandros, L. (2015). "The Relationship between Business Cycles and Capital Structure Choice: The Case of the International Shipping Industry". *The Journal of Economic Asymmetries*, 12 (2): 92-99.

Bentley, KA., Omer, T.C. and Sharp, N.Y. (2012). Business strategy, Financial Reporting Irregularities, and Audit Effort. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=17057260>.

- Bloom, J.Z., Lambrechts, I.J. and Le Roux, N.J. (1998). Distinguishing Between Capital Intensive and Labour Intensive Enterprises Listed In The Industrial Sector Of The JSE., Working Paper, www.academic.sun.ac.za,
- Dechow, P., Ge, W. and Schrand, C. (2010). "Understanding Earnings Quality: A Review of the Proxies, their Determinants and their Consequences". *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2): 344-401.
- Givoly, D. and Hayn, C. (2000). "The Changing Time-series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: Has Financial Reporting become more Conservative?" *Journal of Accounting and Economics*, 29 (3): 287-320.
- Hambrick, D. (1983). "Some Tests of the Effectiveness and Functional Attributes of Miles and Snow's Strategic Types". *The Academy of Management Journal*, 26 (1): 5-26.
- Jones, M. (1991). "Earnings Management during Import Relief Investigations". *Journal of Accounting Research*, 29 (4): 193-228.
- Joos, P. and Ooghe, H. (1994). Comparison between Market Determined and Accounting Determined Measures of Risk: An Emprical Assessment for the Non-financial Firms Listed on the Brussels Stock Exchange. Working Paper, University of Gent, Department of Business Finance.
- Lammings, R. and Bessant, J. (1990). Macmillan dictionary of business and management. London: Macmillan. Working Paper.
- La Porta, R., Lopez-De-Silanes, F., Shleifer, A. and Vishny, R. (2000). "Investor Protection and Corporate Governance". *Journal of Financial Economics*, 58 (2): 3-27.
- Miles, R. and Snow, C. (1978). Organizational Strategy, Structure, and Process. New York: McGraw-Hill. Working Paper.
- Mintzberg, H. (1987). "The Strategy Concept I: Five p's for Strategy". *California Management Review*, 21 (3): 11-24.
- Muhammad, N.H., Ryan, K. and Reza, M. (2013). Business Strategy And Earning Quality, Working Paper Series, www.ssrn.com.
- Nurul Houqe, M., Kerr, M. and Monem, M. (2013). Bussiness strategy and Earnings Quality. Electronic copy available at:<http://ssrn.com/abstract=2198626>.
- Sarkar, S. (2014). "Product Market Flexibility and Capital Structure". *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 54 (4): 111-122.
- Snow, C.C. and Hambrick, D.C. (1980). "Measuring Organizational Strategies: Some Theoretical and Methodological Problems". *The Academy of Management Review*, 5 (4): 527-538.